



۲۰۱۸/۱۱/۲۲

م. اسحاق نگارگر

مگر حالتِ اضطرارِ شاخ و دُم دارد؟

من این یادداشت را دو سال پیش در بیست و دوم نومبر ۲۰۱۶ نوشته بودم و اگر آوازه های اخیر راست باشد معلوم می شود امریکا نیز دیر از خواب برخاسته است و این به اصطلاح حکومت وحدت ملی را ناکاره و بی کفایت یافته است و آرزو دارد آزموده را باز بیازماید. نگارگر ۲۲ نومبر ۲۰۱۸ ویزپ هالند



مگر حالتِ اضطرارِ شاخ و دُم دارد؟

فصل نهم قانون اساسی افغانستان حالتِ اضطرار را چنین تعریف می کند:

هرگاه به علت جنگ؛ خطر جنگ؛ اغتشاش وخیم؛ آفات طبیعی و یا حالتِ مماتل؛ حفظِ استقلال و حیاتِ ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد؛ حالتِ اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود.

از دیدگاه اصول قوای سه گانه دولت یک آرگان با هم وابسته و درهم مؤثر است به طوری که اگر فرد یا افراد یکی از این سه قوه در ارغون مخالفت پُف کند هر سه قوه را فلج می کند و از کار می اندازد. به همین دلیل است که ملت های با تجربه و کار آزموده جهان احزاب سیاسی تشکیل می دهند و با سلاح احزاب سیاسی وارد کارزار های سیاسی می شوند و به حیث تیم های همعقیده و دارای هدف مشترک دولت تشکیل می دهند و مردم نیز تکلیف خود را می دانند و به جای اشخاص به عقاید و مرام های سیاسی رأی می دهند و در حالی که افراد اشتراک کننده به اصطلاح هر کله و بر خیال باشند نخست ایجاد یک شیوه عمل مشترک در بین شان ناممکن می شود و دوم مردم هم مجبور می شوند به اندازه دارایی و نفوذ قومیتی اشخاص رای بدهند و مبارزه متشکل و جمعیتی سیاسی را شکل مبارزه فردی بدهند و بازار توطئه ها و سازش های زیر پرده را گرم و سیاست را مبتذل بسازند. در این گونه محیط سیاسی فضیلت و تقوای سیاسی ناگزیر از میان می رود و رشوه دهی و رشوه ستانی یگانه سکه رایج خرید و فروش سیاست و سیاستمدار می شود.

قانون اساسی افغانستان سازش مبتنی بر پنجاه پنجاه دو رهبر سیاسی را که عملی نا ممکن است قطعاً پیشبینی نکرده بود و صحبت از این می کرد که "هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد؛ انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده اند شرکت می نمایند."

بدبختانه هر دو رهبر به دلیل این که در انتخابات تقلب کرده بودند به طور کُل نتایج انتخابات را لغو کردند و چون نتایج انتخابات دیگر اعتبار نداشت هیچ کس از این دو تن نپرسید که اگر انتخابات اصولاً فاقد اعتبار است پس کدام معیار دیگر به شما دو نفر اجازه می دهد که قدرت را میان خود به شکل پنجاه؛ پنجاه تقسیم نمایید و دیگر کاندیدان را از قدرت محروم سازید. اگر در انتخابات تقلب شده و انتخابات هیچ اعتبار ندارد پس شما به کدام اساس خود را اول و دوم می دانید و قدرت را میان خود تقسیم می کنید؟

قانون اساسی این را نیز می گوید:

"رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی؛ سمتی؛ قومی؛ مذهبی و حزبی استفاده نماید."

حالا اگر رئیس جمهور و شما رئیس اجرائیه را که در پنجاه در صد قدرت شریک است در کنار رئیس جمهور بگذارید و به من بگویید که اگر این دو تن از مقام خود به همین ملحوظات استفاده نکرده اند دیگر چه ملحوظی باقی می ماند که ایشان از آن استفاده نموده باشند.

اگر از این ملحوظات استفاده کرده اند عملاً قانون اساسی را زیر پا نهاده اند و اگر استفاده نکرده اند آیا اتهامی که اینان بر یکدیگر و معاون اول رئیس جمهور بر هر دوی شان می زند از جانب کمیسیون قانون اساسی یا مقام دیگری قابل بازخواست نیست؟

و اما شما وضعی را که بالفعل در مملکت وجود دارد با تعریفی که قانون اساسی از حالت اضطرار می دهد مقایسه کنید و از آن نتیجه بگیرید "هرگاه به علت جنگ؛ خطر جنگ؛ اغتشاش و خیم؛ آفات طبیعی و یا حالت مماثل؛ حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد؛ حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود." و این هم آنچه به طور بالفعل در مملکت وجود دارد.

۱- امنیت و مصونیت در سرپای مملکت نیست و انتحارکنندگان و زورآوران در هر جا که دل شان بخواهد خود را و دیگران را می کشند و دولت عملاً قدرت جلوگیری از این حالت را ندارد یعنی:

نه در مسجد گذارندم که رندی
نه در میخانه کاین خمارخامست
میان مسجد و میخانه راهی ست
غریبم بیکسم آن ره کدامست

حالا که مردم غریب و بیگس افغانستان نه در مسجد آرام استند و نه در میخانه مگر حکومت متعهد نیست که امنیت آنانرا نگاه دارد و نگذارد که این همه ظلم و اجحاف ادامه یابد و روز در میان مردم نه یکی نه دو تا بلکه گروه گروه با هم کشته شوند؟

۱- جنگ در بسا نقاط حساس کشور سال هاست که ادامه دارد و دولت بر بسیاری از آن نقاط یا سلطه ندارد و یا سلطه اش همانند دل گنجشکی که اسیر شاهین شده باشد لرزان است.

۲- مجلسین شورا مدت قانونی و کالت خود را به پایان رسانده اند و عملاً معاش بگیران بیکار استند که یا باید بروند و از مردم صلاحیت دوباره بگیرند و با ردای وکالت قانونی مردم برگردند و یا به کار و غریبی خود برگردند.

۳- بیت المال مردم بیش از این خانه مفت خواران بیکار نتواند بود.

۴- اعضای حکومت به جای اینکه همکار و همنظر باشند به جان همدیگر افتاده اند و برای همدیگر چاه می کنند. با این تیم هر کله و پرخیال هیچ کاری نمی توان صورت داد. صد بار حیف آن معاش های گزاف که اینان می گیرند!

۵- سرحدات کشور از هیچ گونه مصونیت برخوردار نیست و دسته های گوناگون تروریستی وابسته به کشورهای گوناگون در این سرزمین بی در و بی دیوار به اختیار خود می آیند و به اختیار خود می روند. به نام جهاد با امریکا می آیند و هنگامی که زور شان به قصاب زور آور امریکا نمی رسد به گشتار بقال ضعیف یعنی مردم افغانستان قناعت می کنند و خود را به همین تسلی می دهند که اگر قصاب زور آور را نکشتیم باری دمار از روزگار طرفداران ضعیفش برآوردیم. تا دولت بر سرحدات مملکت کنترل ندارد حال بر همین منوال هست که هست.

آخراحت اضطرار شاخ و دم ندارد و این ملت هم بیشتر از این نمی تواند زیون شود. حالا که این دو رهبر با زیر پا کردن قانون اساس خود را بر مردم تحمیل کرده اند برای اینکه خود و دیگران را از این وضع سردرگم نجات دهند می توانند یک لویه جرگه را فرا خوانند تا بورای این حکومت دو سره را درهم پیچد و از این دو تا یکی را به عنوان رهبر مسؤل و با صلاحیت جامعه برای سه سالی که مانده است برگزیند تا به دلخواه خود یک کابینه مسؤل و کارا تشکیل دهد و گلیم این پاچا دُزک اطفال را که حیثیت و اعتبار کشور را تا حدی پایین آورده که همسایه ها هم ما را جدی نمی گیرند برچینند! آخر خود انصاف بدهید کدام همسایه یک رئیس جمهور را جدی می گیرد و با او حاضر به مذاکره جدی می شود وقتی که ببیند قوه مقننه با اجرائیه و قوه قضائیه با هر دو موافقه ندارد و هر عضو آن برای رئیس جمهور به شیوه خود جداگانه نستالِق (نستعلیق) می خوانند! آری وقت آن رسیده است که:

تخم دیگر به کف آریم و بکاریم از نو

کانچه کشتیم ز خجالت نتوان کرد درو

فاعتبروا یا اولی الابصار ۲۲ نومبر ۲۰۱۶ برمنگهم نگارگر



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!